

تاریخچه نهضت جنگل

اولین نبرد در داوسار (اطراف پسیخان) اتفاق افتاد که به نبرد داوسار مشهور است. جنگلیها یکی از خانهای محلی به نام عبدالرزاق شفتی (حاکم فومنات) را که با ۲۰۰ نفر عازم این نبرد شده بود با شکست بدرقه کردند.

دومین نبرد نیروهای نصرت اله خان طالش که ۴۰۰ نفر بودند از نیروی ۴۵ نفره میرزا کوچک خان در ماسوله شکست خوردند. در مهر ۱۲۹۴ اولین نبرد مسلحانه با روسها در ماکلوان رخ داد که با پیروزی نهضت جنگل به پایان رسید.

در بهمن ۱۲۹۴ بار دیگر جنگ در ماسوله روی داد که ۷۰۰ قزاق ایرانی و ۱۰۰ نیروی روسی به ماسوله حمله می کنند که در این نبرد عنایت خواهرزاده ی ۲۲ ساله میرزا کوچک به شهادت رسید و جنگلی ها از ماسوله عقب نشینی کردند.

در اردیبهشت تا مرداد ۱۲۹۵ جنگ شاندرمن و خمام با شکست روسها خاتمه یافت. در آبان ۱۲۹۵مفاخرالملک رئیس شهربانی رشت با ۷۰۰ نفر عازم نبرد با میرزا شد که در کسما شکست خورده و بدست محمد حسن پاپروسی خواهر زاده ی معین الرعایا کشته شد. در خرداد ۱۲۹۶ روزنامه جنگل ناشر افکار هیات اتحاد اسلام و نیروهای نهضت جنگل هفته ای یک شماره انتشار یافت. در تیرماه ۱۲۹۶ جنگ میرزا با امیر مقتدر و رشید الممالک خلخالی که به صلح با یکدیگر منجرشد. در بهمن ۱۲۹۶ قرارداد هیات اتحاداسلام با روسها منعقد شد. در این قرارداد مقرر شد به اینکه روسها نباید موقع عبور از گیلان مردم را مورد آزار و اذیت قرار دهند که این یک موفقیت بزرگ برای میرزا بود.

در اواخر تیرماه ۱۲۹۷ میرزا کوچک و یارانش در منجیل جلوی هجوم انگلیسیها و روسها را گرفتند اما با شهادت عده ای از یارانش مجبور به عقب نشینی شدند و بعد از مدتی زد و خورد در رشت دو طرف حاضر به صلح با یکدیگر شدند. در فروردین ۱۲۹۸ حاج احمد کسمایی از سران نهضت جنگل با تلاش وثوق الدوله نخست وزیر و تیمورتاش حاکم گیلان از میرزا جدا شد. در چهار اردیبهشت ۱۲۹۸ (به روایتی ۱۴ اردیبهشت) دکتر حشمت که خود را تسلیم کرده بود به دستور تیمورتاش اعدام شد. در اسفند ۱۲۹۸ میرزا کوچک درخواست انگلیسیها مبنی بر رهبری حکومت سیاسی ایران را رد میکند. در اردیبهشت ۱۲۹۹ شوروی به انزلی حمله میکند که هم دولت مرکزی و هم میرزا کوچک اعتراض میکنند. در خرداد ۱۲۹۹ بعد از تصرف رشت، اعلان جمهوری سران نهضت جنگل با حمایت شوروی صورت میگیرد و مردم رشت با خوشحالی فراوان از میرزا و یارانش استقبال به عمل میاورند.

تیر ۱۲۹۹ تبلیغات کمونیستی و خرابکاریهای بلشویکها موجب شد که میرزا از رشت خارج شده و به فومن برود. در ۹ مرداد ۱۲۹۹ اعضای دولت انقلابی از جمله احسان الله خان و خالو قربان بر علیه میرزا کودتا

کرده و جمهوری سوسیالیستی گیلان را تشکیل دادند. در ۲۹ مرداد ۱۲۹۹ با توجه به اینکه میرزا در

فومن بود رشت به تصرف نیروهای دولتی در آمد و مردم رشت بسیار شادمان شدند. ۵ شهریور ۱۲۹۹ حمله کمونیست ها و عقب نشینی قزاقها از رشت صورت گرفت که مردم از ترس انتقام گیری کمونیستها در حمایت از نیروهای دولتی به جنگلهای اطراف و شهرهای تهران و قزوین و... مهاجرت و یا فرار میکنند. ۱ مهر ۱۲۹۹ بار دیگر نیروهای دولتی توانستند رشت را تصرف کنند و کمونیستها را تا انزلی و خمام به عقب نشینی مجبور کنند. ۳۰ مهر احسان الله خان با کمک ارتش شوروی توانست رشت را از دولتیها پس بگیرد و باز هم مردم ستمدیده رشت از خانه و کاشانه خود آواره شدند. ۱۴ آبان ۱۲۹۹ احسان الله خان و خالو قربان که دیدند موفقیتی بدون میرزا بدست نمی آورند با سردار جنگل آشتی میکنند.

۱۶ اردیبهشت ۱۳۰۰ تاجگذاری احمدشاه بود. روتشین سفیر شوروی در این جشن به احمد شاه قول میدهد که شوروی از مبارزان جنگل حمایت نکند و برای پایان این نهضت تلاش کند. یک تیر ۱۳۰۰ کمیته انقلاب ایران با ملاقات میرزا، احسان الله خان، خالو قربان و حیدرخان عمو اوغلی که برای وحدت بین سران جنگل آمده بود تشکیل میشود. ۲۳ مرداد ۱۳۰۰ احسان الله خان به علت حرکت خودسرانه در حمله به تهران از کمیته انقلاب کنار گذاشته میشود. اوایل شهریور ۱۳۰۰ روتشین سفیر شوروی از میرزا میخواهد که خود را تسلیم کند که میرزا در تاریخ ۱۲ شهریور درخواست او را رد میکند. ۳۰ شهریور واقعه مهم ملاسرا اتفاق می افتد و حیدرخان عمو اوغلی دستگیر شده و بعد از ۶۴ روز به قتل میرسد.

نیروهای دولتی به فرماندهی رضاخان سردار سپه در ۱۷ مهر به طرف رشت حرکت کرده و ۱۹ مهر به امامزاده هاشم میرسند. ۲۳ مهر خالو قربان قبول کرد که خود را به نیروهای دولتی تسلیم نماید. ۲۵ مهر رضاخان وارد رشت شده و این شهر را تصرف کرد و جنگلیها نیز تا پسیخان عقب نشینی کردند. ۲۷ مهر تمام شرق گیلان و رشت تا جمعه بازار و پسیخان به تصرف نیروهای دولتی درآمد. در حالی که احتمال صلح بین میرزا و سردار سپه وجود داشت افراد ناشناس به نیروهای دولتی در تاریخ ۲۸ مهر حمله میکنند و مذاکره نیمه تمام میماند. ۳۰ مهر ۷۰۰ نفر از نیروهای خالو قربان عازم نبرد با میرزا به فومنات رهسپار شدند. ۱ آبان اطلاعیه رضاخان تحت عنوان اعلان و اتمام حجت که برای هشدار و تسلیم شدن نیروهای جنگل صادر شد. ۵ آبان خالو قربان که از قبل تسلیم شده بود به رشت آمده و به نیروهای دولتی ملحق شد. در ۹ آبان فومن، لولمان، گوراب زرمیخ و زیده به تصرف نیروهای دولتی درآمد و میرزا کوچک خان نیز به عقب نشینی های پی در پی دست میزند. در ۱۰ آبان سردار سپه بعد از اطمینان از شکست جنگلیها به تهران بازگشت.

در ۱۳ آبان بعد از شکست قطعی، میرزا با همسرش خداحافظی میکند. ۱۵ آبان احسان الله خان به روسیه پناهنده شد. یاران نهضت جنگل عبدالحسین خان ثقفی فرمانده نیروهای جنگل، ابراهیم فخرایی، ابوالقاسم فخرایی، محمد علی خمایی دستگیر میشوند و معین الرعايا نیز به واسطه پسر عموی خود

کر بلایی نقره خود را تسلیم میکند. میرزا و گائوک آلمانی و میرزا نعمت الله در حال حرکت به کوهها

بودند که گرفتار حمله قزاقها شده و نعمت الله که به احتمال زیاد سپر بلای آن دو نفر شده، به شهادت میرسد. بعد از شهادت نعمت الله، میرزا و گائوک به طرف کوههای خلخال حرکت کرده و میخواستند به عظمت خانم فولادلو در خلخال پناهنده شوند که ابتدا گائوک در اثر برف و سرما از دنیا می‌رود و بعد هم سردار جنگل بعد از ۷ سال مقاومت در راه آزادی وطن در تاریخ ۱۱ آذر ۱۳۰۰ به شهادت میرسد. رضا اسکستانی به دستور سالار شجاع برادر سردار مقتدر (حاکم تالش) جلوی گریه و عزاداری روستائیان خانقاه سر میرزا را از بدن جدا میکند. بدن میرزا را در خانقاه دفن میکنند و سر را در تاریخ ۱۴ آذر به رشت می‌فرستند. خالو قربان برای خوش خدمتی سر را برای رضا خان میبرد و رضا خان دستور میدهد سر را در گورستان حسن آباد تهران دفن کنند. دوستان میرزا بعد از مدتی سر را از گورکن گرفته در سلیمان داراب رشت به خاک می‌سپارند. دوستان میرزا بعد از خروج رضاخان از ایران در شهریور ۱۳۲۰ جسد میرزا را از خانقاه به رشت آورده و در جوار سر او دفن میکنند.

«افسوس میخورم که مردم بعد از مرگ ما خواهند فهمید که بوده ایم و چه میخواستیم و چه کرده ایم. اکنون منتظرند روزگاری را ببینند که از جمعیت ما اثری در میان نباشد اما وقتی از افکار و انتظاراتشان نتایج تلخ مشاهده کردند آن وقت است که ندامت حاصل خواهند نمود و قدر و منزلت ما را خواهند دریافت. بلی آقای من امروز دشمنان، ما را دزد و غارتگر خطاب میکنند در صورتیکه هیچ قدمی جز در راه آسایش مردم و حفاظت مال و جان و ناموس آنها بر نداشتیم ما هر گونه اتهاماتی را که بما نسبت میدهند می‌شنویم و حکمیت را به خداوند قادر واگذار میکنیم...»

منابع :

۱- روزنامه جنگل، شماره ۲۸، سال اول (۱۳۳۵ ق) انتشارات مولی، تهران، ۱۳۵۷

۲- شایسته، فریدون، نهضت جنگل از آغاز تا فرجام، رشت، نشر فرهنگ ایلیا، ۱۳۸۹

۳- فخرایی، ابراهیم، سردار جنگل، تهران، جاویدان، ۱۳۶۲

۴- عظیمی، ناصر، جغرافیای سیاسی نهضت جنبش و انقلاب جنگل، مشهد، نیکا، ۱۳۸۸

